

# انقلاب های مغرب و خاورمیانه و طبقه کارگر

یکشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۰ - ۱ می ۲۰۱۱

World socialist web site

## برگردان ناهید جعفرپور

خیزش های انقلابی در تونس و مصر نشانه آغاز یک عصر جدید از مبارزات طبقاتی است. طبقه کارگر در این کشورها قدرت بیحد اجتماعی خویش را به اثبات رساند. کارگران نه اسیر ترس شدند و نه از مبارزه کناره گیری کردند بلکه رهبران خشونت را چون بن علی و مبارک در فاصله چند روز مجبور به کناره گیری از قدرت نمودند.

انقلاب در این کشورها هنوز در آغاز خویش و در مرحله اول خود قرار دارند. دیکتاتور ها رفته اند اما رژیم ها هنوز برجای خویش باقی مانده اند. در مصر قدرت در دست ارتش است و در تونس وابستگان بن علی دولت را با برخی از اعضای اپوزیسیون آنهم برای گول زدن مردم بعهد گرفته اند.

انقلاب نمی تواند با طرح خواسته های عمومی دمکراتیک بر جای خود درجا بزند. انتظار کارگران و جوانان - محل های کار، مزد بهتر، آینده ای امن - تنها می توانند به اجرا درآیند اگر که مالکیت سرمایه داری، مناسبات نیمه فئودالی در روستاها و وابستگی به امپریالیسم از بین برود. مبارزه برای دمکراسی از مبارزه برای قدرت گرفتن کارگران و برقراری جامعه ای سوسیالیستی جدا نیست. این وظایف نمی توانند در فضای ملی حل شوند. بلکه نیاز به یک استراتژی بین المللی دارند. انقلاب در مغرب و در خاورمیانه رابطه تنگاتنگ با مبارزات طبقاتی در فرانسه و مابقی کشورهای جهان دارد. طبقه کارگر در سرتاسر جهان در مقابل مشکلات مشابه قرار گرفته است. استاندارد زندگی در حال سقوط است. بیکاری و فقر در حال صعود است. خدمات اجتماعی منهدم می شوند و حقوق دمکراتیک محدود می گردند. در قطب دیگر جامعه یک آریستوکراتی مالی و ثروتی بیکران انبوه شده است و با تمامی ابزار از آن محافظت می شود.

طبقه کارگر می تواند حقوق اجتماعی و سیاسی خود را زمانی امنیت بخشد که راه انقلاب اجتماعی را بپیماید. وی باید با تمامی سازمانهایی که در سطوح ملی اش وجود دارند چون احزاب سوسیالیستی، احزاب کمونیستی، اتحادیه ها و وابستگان اتحادیه ها مانند احزاب چپ و... بپا خیزد و بسوی چشم اندازهای سوسیالیستی بین المللی حرکت نماید.

طبقه کارگر و ملت های تحت ستم جهان اول ماه مه را بعنوان روز اتحاد و مبارزه و همبستگی با شعار " مزد برابر برای کار برابر"،

کار، نان، آزادی و نه به " تبعیض زنان " جشن می گیرند و مبارزانشان را بر علیه امپریالیسم و هرگونه استبدادی به پیش می برند. لذا اول ماه مه 2011 تقدیم به تمامی ملت های تحت ستم که بر علیه دیکتاتور ها برخاسته اند می گردد.

تاثیرات بحران سرمایه داری ای که از سال 2008 به اوج خود رسید هنوز ادامه دارند. میلیون ها نفر با توجیح این بحران ها به بیکاری دچار شدند، خدمات اجتماعی منهدم گشتند و قوانین ضد ترور وضع گردیدند. استاندارد زندگی کارگران و شاغلین در حال سقوط است و فقر همواره در حال رشد است. آموزش و تعلیم حرفه ها برای فرزندان کارگران روز به روز سخت تر می شود.

از سوی دیگر سیستم سرمایه داری بیشتر و بیشتر تسلیحات تولید می کند تا بازار های جدید به وجود آورد و ذخایر انرژی را و نقطه های مهم استراتژیک را فتح نماید. دیکتاتور های منطقه ای باید منافع امپریالیست ها را نمایندگی کنند. در غیر این صورت جایشان را دیگری خواهد گرفت.

تا چه زمانی ما باید شاهد این اوضاع باشیم که قدرتمندان ستم و استثمار را ادامه بدهند؟ آیا فقر و بیکاری و ستم همچنان باید پذیرفته شود یا اینکه در مقابل اش وتوی ما قرار گیرد؟

ما باید سیستم سرمایه داری را مورد هدف قرار دهیم. در بهار 2010 هزاران نفر در اروپا به خیابانها رفتند و حال در آفریقای شمالی این فریاد بگوش می رسد. خیزش های غیر منتظره در این کشورها امپریالیست ها را وحشت زده نموده اند. در حال حاضر آنها ( امپریالیست ها ) تلاش می کنند اوضاع را مجددا تحت کنترل خود درآورند.

ملت های تحت ستم جهان باید اول ماه مه را بعنوان روز اتحاد و مبارزه و همبستگی و زیر پایه ای برای مبارزه مشترک ببینند. طبقه کارگر اروپا باید نیروهای امپریالیستی را برای پشتیبانی از مستبدین و رژیم های فاشیستی و حفظ زندگی آنها به محاکمه و پاسخگوئی بکشانند.

ما نباید تنها به مشاهده خیزش های ملت ها بر علیه مستبدین بنشینیم و دست روی دست بگذاریم. بجای این باید همبستگی مان را نشان دهیم و بیان کنیم. زنجیر های استثمار باید از هم پاره شوند. سرمایه داری به معنی بحران است و فشار این بحران نباید بر دوش ملت ها سنگینی کند!

مبارزه ی متحد انقلابی را بر علیه سرمایه داری شکل دهیم!  
زنده باد اول ماه مه!